



وزارت علوم تحقیقات و فناوری
مؤسسه‌ی آموزش عالی شهید اشرفی اصفهانی
گروه حقوق

پایان‌نامه برای دریافت درجه‌ی کارشناسی ارشد (M.A.)

گرایش فقه و حقوق

موضوع

جمعیت از نظر مذاهب پنج گانه

استاد راهنما

دکتر مصطفی نجاری

استاد مشاور

دکتر زهره حاجیان

نگارش

مصطفی علایی

چکیده:

در دهه های اخیر با توجه به صنعتی شدن جوامع و نیاز به کار کردن بانوان در خارج از منزل، در بسیاری از جوامع، دولت‌ها مردم را به کم کردن جمعیت خانواده تشویق کرده اند در حالی که، در مطالعه ی تاریخ جمعیت شناسی، همه ادیان الهی بویژه اسلام طرفدار افزایش جمعیت و مشوق فرزند آوری زیاد هستند. تا اوایل قرن هجدهم دیدگاه های خاصی در مورد جمعیت وجود نداشت، و تنها بعضی از صاحب نظران مانند خواجه نصیرالدین طوسی (متوفای ۶۵۳) به صورت غیرمستقیم عواقب و تبعات افزایش جمعیت را گوشزد کرده است، ایشان در مورد کاهش احتمالی مرگ و میر و پیامد های احتمالی رشد جمعیت در کتاب اخلاق ناصری بحث کرده و به نظر می رسد که ایشان نسبت به استعداد رشد تصاعدی جمعیت آگاهی داشته است. با توجه به اینکه تا اوایل قرن بیستم رشد جمعیت و مسلمانان اتم از فرقه های چهار گانه ی اهل تسنن و شیعیان بسیار ناچیز بوده است، بحث کنترل جمعیت و سیاست های جمعیتی در سطح ملی به صورت کلان وجود نداشته است، و مباحث کنترل موالید و جلوگیری از بارداری و عزل، بیشتر در قالب مسائل فردی و مسائلی نظیری تعیین تکلیف شرعی آن مطرح بوده است، و بیشتر روایاتی هم که از ائمه اطهار علیهم السلام درباره عزل و کنترل باروری نقل شده هم عمدتاً در پاسخ به سوالاتی هستند که مردم از ایشان در قالب سوالات شرعی کسب تکلیف کرده اند، و هیچ گونه برداشتی که بیانگر کاهش جمعیت است نمی باشد، چنان که در فصل سوم به آن اشاره می شود و همچنین ادله ای که مخالفان افزایش جمعیت آورده اند را در فصل دوم رد می کنیم، لذا سعی شده در این تحقیق از روش تحقیق توصیفی و تحلیلی و روش گرد آوری اطلاعات به صورت کتابخانه ای عمل شود. و در نهایت این گونه می توان گفت که در شرع مقدس اسلام و چهار فرقه اهل تسنن و بویژه از دیدگاه شیعه این گونه است که تاکید بر افزایش جمعیت به طور کلی است، ولی اگر شرایط خاصی بوجود آمد مثل نظر حاکم اسلامی، خطر خاص برای والدین و... در این جا جمعیت متناسب مد نظر می شود و سعی می شود آنچه به نفع مردم در کل به نفع جامعه اسلامی است در نظر گرفته شود. و از راهکارهای افزایش جمعیت می توان به ایجاد قوانین تشویقی، آموزش رایگان و همچنین ایجاد بستر مناسب برای بهداشت فرزند و مادر اشاره داشت.

واژگان کلیدی: جمعیت، کنترل موالید، شافعی، حنبلی، مالکی، حنفی و امامیه.



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی

گروه حقوق






رشته فقه و حقوق اسلامی

تأییدیه‌ی هیأت داوران حاضر در جلسه دفاع از پایان‌نامه کارشناسی ارشد

اعضای هیأت داوران نسخه‌ی نهایی پایان‌نامه‌ی آقای مصطفی علانی عاشق آبادی تحت عنوان

جمعیت از نظر مذاهب پنج‌گانه

را از نظر فرم و محتوا بررسی نموده و پذیرش آنرا برای تکمیل درجه‌ی کارشناسی ارشد پیشنهاد می‌کنند.

اعضای هیأت داوران	نام و نام خانوادگی	رتبه علمی	امضاء
۱-استاد راهنما	حاج آقامصطفی نجاری	استاد یار	
۲-استاد مشاور	دکترزهره حاجیان	استاد یار	
۳-مدیر گروه	دکتر محمد رضا شادمانفر	استاد یار	
۴-استاد داور	حاج آقامجید بنی‌طبا	مربی	
۵-استاد داور	حاج آقا حلیبان	مربی	

فهرست :

- مقدمه
- ۱- بیان مسئله
- ۲- سابقه تحقیق
- ۳- ضرورت و نوآوری
- ۴- سوالات تحقیق
- ۵- فرضیات تحقیق
- ۶- هدفها و کاربردهای تحقیق
- ۷- روش ونحوه انجام تحقیق و بدست آوردن نتیجه

فصل اول : تعاریف

بخش اول : مفهوم شناسی

بخش دوم : سیاستهای جمعیتی

بخش سوم : اهداف سیاستهای جمعیتی

فصل دوم : بررسی نظریات مخالفین افزایش جمعیت

بخش اول : ادله ی مخالفین افزایش جمعیت

گفتار اول : قرآن

گفتار دوم : روایات

بخش دوم : نقش جمعیت در اقتصاد

فصل سوم : بررسی نظریات موافقین افزایش جمعیت و جمعیت متناسب

بخش اول : ادله ی موافقین افزایش جمعیت

بخش دوم : رویکرد فقهی به نظریه موافقین افزایش جمعیت

گفتار اول : نگاه علما به این مسئله

گفتار دوم : عناوین ثانوی

بخش سوم : مویدات و شواهدی که در اسلام دلالت بر افزایش جمعیت دارند

گفتار اول : ارزش فرزند در اسلام

گفتار دوم : افزایش جمعیت مسلمانان خواسته ی پیامبر

گفتار سوم : نظام خانواده در اسلام

گفتار چهارم : ارزش دختر داری در اسلام

نتیجه گیری و پیشنهادات

فهرست منابع و مآخذ

بیان مسئله :

کاهش و تنظیم جمعیت اکنون مسئله بیشتر کشور های جهان سوم است و به این بیان که منظور از این کاهش همان تنظیم خانواده است و جلوگیری از رشد بی حد جمعیت و تناسب بین رشد اقتصادی و رشد جمعیت است. این رویه در ایران ، بعد از انقلاب و پس از جنگ تحمیلی و با ارتحال رهبر کبیر انقلاب بیشتر پی گیری شد و باعث کاهش و عدم رشد قبلی جمعیت شد. در این مقام ، بزرگان زیادی حتی از سایر فرق اسلامی به این رویه اعتراض نمودند و ایراد داشتند که دستور شارع مقدس و دین مبین اسلام بر این است که باید رشد جمعیت زیاد شود، و پیامبراکرم(ص) هم فرموده اند که: «من به زیادی شما بر امم دیگر فخر می کنم». و در مقابل عده ای هم نظری برعکس ایشان داشتند و عده ای هم بینا بین ره پیمودند و در شرایط خاصی کنترل و کاهش جمعیت را بیان کردند .

به نظر کسانی که مخالف کاهش رشد جمعیت اند ، عامل اصلی کنترل جمعیت را بعضی از دول استعمارگر ، می دانند که آنها ، این کاهش را بهانه ای قرار داده اند برای استعمار هر چه بیشتر کشور های عقب افتاده ، و کمبود منابع و کاهش فضاء ، بهانه ای در این زمینه بیش نبوده است . چون کشورهای کوچکی مثل ژاپن ، آلمان ، فرانسه و... جمعیت های زیادی دارند و رشد منابع طبیعی و غذایی و... آنها بیشتر شده است . زیرا دول استعمارگر به این نتیجه رسیده اند که جمعیت بیشتر، قدرت بیشتر می آورد و با کاهش جمعیت زمینه ای برای تسلط کشور های دیگر و تقسیم آن کشور ها به وجود می آورد. و به این شکل می شود بر منابع کشور های ضعیف دیگر تسلط داشت.

سابقه و پیشینه تحقیق :

مسئله ی نرخ رشد جمعیت از گذشته تا حال اطلاعات دقیقی در دست نیست اما مطالعات جمعیت شناسی بیانگر افزایش جمعیت بوده است . تا اوایل قرن ۱۸ دیدگاه خاصی درباره عواقب ازدیاد جمعیت به چشم نمی خورد و تنها بعضی از صاحب نظران ،مانند خواجه نصیر الدین طوسی (متوفای ۶۵۳ هـ ق) به صورت غیر مستقیم عواقب و تبعات افزایش جمعیت را گوشزد می کرده اند . خواجه درباره کاهش احتمالی مرگ و میر و پیامدهای ناگوار رشد جمعیت در کتاب مشهور خود «اخلاق ناصری» در بحث از «غیر معقول بودن ترس از مرگ» می نویسد که: « در صورتی که هیچ گونه تلفات ناشی از مرگ و میر برای جمعیت وجود نداشت ، آن گاه جمعیت چنان به سرعت رشد می کرد که در روی زمین حتی جایی برای ایستادن افراد وجود نمی داشت .» و به نظر می رسید که ایشان نسبت به استعداد رشد تصاعدی جمعیت آگاهی داشته است که رشد جمعیت بسیار بیشتر از رشد مواد غذایی بوده است .

کنترل جمعیت مسأله ای است که از دهه های پایانی قرن ۱۸ و با طرح دیدگاه مالتوس به موضوع تنظیم خانواده آغاز شد . در ایران سیاستهای جمعیتی مبتنی بر تنظیم خانواده آغاز شد . در ایران سیاستهای جمعیتی مبتنی بر تنظیم خانواده طی دو مرحله به اجرا گذاشته شد . اول پیش از انقلاب در سال ۴۱ و در سال ۴۶ واحدی به نام «بهداشت و تنظیم خانواده» در وزارت بهداشتی وقت شکل گرفت و پس از جنگ در سال ۶۸ این مسأله مورد بحث و توجه دوباره مسولان قرار گرفت و سعی شد افزایش ۳/۹ نرخ رشد جمعیت را کاهش دهند و این رویه تا به کنون در ایران مورد اجرا گذاشته شده تا اینکه مطابق فرمایشات «مقام معظم رهبری» ، با تغییر رویه ، توجه به افزایش جمعیت مورد توجه قرار گرفته است .

ضرورت نو آوری :

با پیشرفت تکنولوژی و گسترش سطح فرهنگ و بهداشت عمومی و کم شدن مرگ و میر ناشی از بیماریهای همه گیر و ازدیاد موالید از علل مهم افزایش جمعیت محسوب می شود . این افزایش جمعیت شاید در کشور های صنعتی و پیشرفته مسئله ای ایجاد نکند زیرا این افزایش جمعیت تقریباً با توسعه اقتصادی و اجتماعی آنها هماهنگ بوده است ، اما در کشور های جهان سوم این هماهنگی بسیار اندک بوده یا اصولاً وجود نداشته که این مشکلات پیچیده ی اقتصادی، اجتماعی ، سیاسی و فرهنگی را به دنبال داشته است . با توجه به این شرایط آیا شریعت مقدس توصیه به ازدیاد جمعیت دارد یا خیر؟ و آیا قوانین ثانوی و یا قوانین حکومتی می توانند در زمان حال نظر عکس بدهند .

سوالات تحقیق :

- ۱- آیا همه مذاهب اسلامی موافق ازدیاد جمعیت هستند یا بعضی از ایشان؟
- ۲- آیا ازدیاد نسل در شرع مقدس اسلام، اصل است و یا اینکه طبق شرایط و مقتضیات متفاوت می شود؟
- ۳- آیا در شرع مقدس مقدار خاصی برای جمعیت و اولاد توصیه شده یا خیر؟
- ۴- در نظر اسلام منظور افزایش کیفی جمعیت است یا کمیت آن؟

فرضیه ها :

۱- اصل، افزایش جمعیت در شرع مقدس است و بستگی به شرایط خاصی ندارد .

۲- تمامی فرق اسلامی تأکید بر افزایش جمعیت دارند ، هم از لحاظ کمی و هم از لحاظ کیفی .

هدفها و کاربردهای تحقیق :

- بررسی این مهم که اسلام موافق افزایش جمعیت است و یا این که در شرایط متفاوت ، مختلف است .
- توجه به این امر که افزایش جمعیت در شریعت اسلام به صورت مطلق است و این مهم در همه شرایع و مذاهب مورد توجه است ، و فقط مخصوص شیعه نمی باشد .

روش و نحوه انجام تحقیق :

- نوع مطالعه و روش بررسی فرضیه‌ها و پاسخگویی به سوالات (توصیفی، تجربی، تحلیلی، محتوا، اسنادی، تاریخی) توصیفی تحلیلی است.

فصل اول: کلیات

بخش اول: مفهوم شناسی

جمعیت از نظر معنای لغوی و اصطلاحی

جمعیت به مجموعه ای از انسانها گفته می شود که در سرزمین معینی سکونت مداوم دارند و در طول زمان، بر حسب ویژگی هایی نظیر سن، جنسی، ازدواج و... ترکیب ویژه ای یافته اند. به بیان دیگر جمعیتی از افراد انسانی که در یک منطقه جغرافیایی بطور مستمر به شکل خانواده و خانوار زندگی می کنند جمعیت نام دارد.

جمعیت به مجموعه ای از انسانها که در یک واحد جغرافیایی (کشور-استان-شهر یا روستا) به طور مستمر و در قالب خانوار و خانواده زندگی می کنند و شرایط ملی و قوی و سیاسی واحدی دارند جمعیت گویند. (آیت الهی و همکاران، ۲۰۹).

جمعیت: گردهم آمدن و مجتمع شدن - متحد گشتن - الفت و وفاق. گروه مردم. (فرهنگ صبا، ۳۴۰، ۱۳۸۹).

در فرهنگ فارسی عمید ذیل کلمه جمعیت این گونه آمده است:

نفوس یک شهریایک کشور، متحد شدن و فراهم آمدن. (فرهنگ عمید، ۴۶۹، ۱۳۸۷).

در لغت نامه دهخدا جمعیت این گونه تعریف شده است: انجمن شدن - همگروهی - مردم بسیار که در جایی گردهم آیند.

سکنه یک ده، شهر، ایالت و کشور - انجمن «فرهنگ فارسی معین» (دهخدا، ۷۸۵، ۱۳۷۸).

جمعیت: گروه، جماعت انبوه مردم. (فرهنگ فارسی معلم، صفحه ۳۵۶).

با این حال باید توجه داشت که معنای لغوی و اصطلاحی، جمعیت با هم به یک معناست.

تنظیم خانواده :

تنظیم: هماهنگ کردن، ارتباط منظم دادن (دهخدا، ۱۳۷۸، ۲۰۳).

خانواده: محل تجمع زوجها، محلی که زوجین و فرزندان در آنند (دهخدا، ۱۳۷۸، ۱۴۸). در اصطلاح تنظیم خانواده تعریف زیادی از آن شده و برگزیده ای از این تعاریف این گونه بیان شده .

معمولاً این مفهوم دارای بار معنایی مثبت بوده و بر اراده خانواده ها برای انتخاب زمان مناسب فرزند دار شدن، رعایت فاصله زمانی، آینده نگری و برنامه ریزی اشاره دارد. از این رو هدف اصلی تنظیم خانواده بهداشت، رفاه، زندگی بهتر و آینده های پربارتر است و این مفهوم لزوماً به معنای کاهش فرزندان نخواهد بود. بلکه مقصود اصلی آن برنامه ریزی و رعایت منطقی فاصله میان آنهاست.

کنترل موالید

کنترل: محافظت، نگهداری. (دهخدا، ۱۳۷۸، ۳۵۲).

موالید: فرزندان، افرادی که تازه به دنیا می آیند. (دهخدا، ۱۳۷۸، ۱۸۵). مفهوم کنترل موالید تا حدی در مقیاس یک کشور عبارت است از مداخله در جهت تشویق خانواده ها برای به دنیا آوردن کودکانی که تعدادشان از نسل قبل کمتر باشد. (طلعتی، ۱۳۸۲، ص ۳). اصطلاح کنترل موالید، نخستین واژه ای است که برای مسئله مورد بحث توسط یک آمریکایی ابداع شد و سپس اصطلاحاتی دیگر نظیر تنظیم خانواده، پدر و مادر، ریزیده شد. از آنجایی که به بررسی نظریات مذاهب چهار گانه ی اهل سنت می پردازیم اکنون مختصری پیرامون ایشان می آوریم. اول به پیروان ابوحنیفه و سپس به مکتب شافعی و بعد به فرقه ی حنبلی و در آخر به فرقه ی مالکی به صورت مجمل می پردازیم .

حنفی ها:

ابوعبدالله احمد بن محمد بن حنبل متکلم و فقیه مسلمان در ۷۸۰ میلادی [۱۶۴ هـ ق] در بغداد زاده شد؛ پدر و مادرش از اعراب ساکن مرو بودند. نام کامل وی (احمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن اسد بن ادريس بن عبدالله الشيباني المروزي البغدادي). سفرهای زیادی کرد؛ در بغداد برآمد، و در [۲۴۱ هـ ق] در همان جا درگذشت. مکتب فقه حنبلی، یکی از فرق اربعه ی سنت، پس از مرگ وی به وسیله ی شاگردانش ایجاد شد. این مکتب جریان متقابلی بود که تفسیر تحت اللفظی قرآن و احادیث، و تقلیل ارزش قیاس و اجماع را مورد توجه قرار می داد. احمد بن حنبل مسند را تألیف کرد، که مجموعه ای بود بالغ بر ۳۰،۰۰۰ حدیث. این احادیث نه به ترتیب موضوعی، بلکه برحسب اسامی صحابه ای که بدیشان استناد شده، تنظیم شده است. این بهترین و بزرگترین مجموعه در نوع خودش است. ابوحنیفه، مالک بن انس، شافعی و احمد بن حنبل را، که مؤسسان فرق اربعه ی سنت بودند، ائمه ی اربعه می نامند.

و در زمینه بررسی راوی بسیار سخت گیر بوده. تا جایی که ابو حنیفه را هم تضعیف کرده عطار نیشابوری در تذکره الاولیا او را در زمره مشایخ طریقت آورده و تجلیل بسیار از وی کرده است. پیروان احمد ابن حنبل به حنبلی مشهورند.

شافعی ها:

محمد ادریس الشافعی (۱۵۰-۲۰۴) هجری قمری. ملقب به أبو عبدالله، و معروف به امام شافعی از علما اهل سنت بود. نام کامل وی (أبو عبد الله محمد بن إدريس بن عباس بن عثمان بن شافع بن سائب بن عبد الله بن عبد يزيد بن المطلب بن عبد مناف بن قصی بن كلاب بن مره بن كعب بن لؤی بن غالب بن فهر بن مالك بن النضر وهو قريش بن كنانة بن خزيمة بن مدركة بن إلياس بن مضر بن نزار بن معد بن عدنان، الشافعی المطلبی القرشی. يلتقى فى نسبه مع النبى محمد فى عبد مناف بن قصی) بود. وی در ماه رجب سال ۱۵۰ هجری قمری برابر با ۷۶۸ میلادی در شهر غزه از سرزمین فلسطین (و به قولی در سوریه) به دنیا آمد. پدرش همراه مسلمانان از مکه به فلسطین ناحیه الرباط و غزه و عسقلان هجرت کرد. مدت کمی بعد از تولد شافعی پدرش در غزه فوت کرد. بعد از فوت پدر، شافعی و مادرش به مکه بازگشتند. مادر شافعی، «فاطمه» (أم حبیبه) نام داشت که از قبیله ازد بود. الأزدیه، یکی از قبائل معروف در یمن السعید (یمن پر برکت، بخش سر سبز و پر آب سرزمین یمن) بود. نسب شافعی به عبد مناف می‌رسد که جد اعلاى محمد پسر عبدالله است.

بنابراین شافعی از جهت پدر قریشی است. عبدمناف چهار پسر داشت به نام‌های هاشم، مطلب، نوفل و عبد شمس که شافعی از نسل برادر هاشم، مطلب است. امام الشافعی در مکه در زمینه علوم فقهی پیشرفت می‌کند و یکی از علماء برجسته آن دیار می‌شود. وی بنا به ترتیب زیر سومین فقیه بزرگ از فقهای اهل سنت است. مذهب شافعی مشابهت بیشتری با فقه امامیه دارد.

حنبلی ها:

ابوحنیفه یا ابوحنیفه النعمان بن ثابت بن زوطا بن مرزبان (۸۰ - ۱۵۰ هجری قمری/۶۹۹-۷۶۷م) فقیه و متکلم نامدار کوفه و پایه‌گذار مذهب حنفی از مذاهب چهارگانه اهل سنت است. اهل سنت او را «امام اعظم» و «سراج الائمة» لقب داده‌اند. پیروان ابوحنیفه را حنفی می‌نامند. ابو حنیفه از حماد بن ابی سلیمان، و از ابراهیم نخعی و علقمه به قیس شاگرد عبدالله بن مسعود، علم فقه و حدیث را اخذ و تلقی نمود. امام شافعی و امام مالک به کمالات او معترف بوده‌اند. بیشتر منابع، اصلیت او را از کابل می‌دانند. در برخی منابع هم ترمذ یا نسا به عنوان محل سرزمین اجدادش نام برده شده‌است. می‌گویند جد وی از موالی و ایرانی بود. وی در سال ۸۰ هجری قمری در شهر کوفه متولد شد. ابوحنیفه علاوه بر فقیه بودن در زمان خود بازرگان موفق نیز بود. وی در

نزد اهل سنت یکی از بزرگ‌ترین فقها به شمار می‌رود. مذهب حنفی بر هفت اصل استوار است که عبارت‌اند از: -۱ قرآن -۲ سنت -۳ قول صحابه -۴ قیاس و رأی -۵ استحسان -۶ اجماع -۷ عرف.

مالکی‌ها :

مالک بن انس بن مالک بن انس بن الحارث بن غیمان بن خثیل بن عمرو بن الحارث الأصبیحی مشهور به مالک ابن انس (۹۳-۱۷۹ه.ق) دومین امام از ائمه اهل سنت بود. مادرش العالیة بنت شریک بن عبدالرحمان بن شریک اسدی و یکی از فضیلتی عصر خود بود.

وی در سال ۹۳ هجری قمری در واحه‌ای به نام «ذو المروه» (در شمال مدینه) که در حدود ۳۲ فرسخ از مدینه فاصله دارد، متولد شد. به ترتیب زیر وی دومین امام از ائمه ی اهل سنت است:

ابوحنیفه نعمان بن ثابت

مالک ابن انس

محمد ادریس شافعی

احمد ابن حنبل

پیروان مالک ابن انس به مالکی مشهورند.

(ویکی‌پدیا، دانشنامه ی آزاد)

بخش دوم : سیاست های جمعیتی

منظور از سیاست های جمعیتی که به آن خواهیم پرداخت ؛ این است که در جهت تقلیل و یا تکثیر جمعیت ، روش های مخصوص به خود را در پیش گرفت . اگر قائل به کاهش جمعیت هستیم ، باید سیاست های کاهش اولاد و در نتیجه تقلیل جمعیت را در نظر داشت و اگر قائل به افزایش جمعیت هستیم ، باید بر روش هایی تمسک جست که نتیجه آن افزایش موالید و تکثیر جمعیت باشند .

هدف سیاست های جمعیتی مخالف با افزایش جمعیت ، این است که خانواده را در جهت داشتن فرزند کمتر سوق و ارزش های مربوط به فرزندآوری و فرزند زیاد را تغییر می دهد . بنابراین باید دید در چه شرایطی خانواده حاضر می شود از آوردن فرزند بیشتر صرف نظر کند .

دین اسلام در مورد تعلیم و تربیت فرزندان توصیه های زیادی نموده است . بدیهی است که دین یک امر فطری است اما با این وجود والدین می توانند بذر یهودیت ، مسیحیت و یا ادیان دیگری را در ذهن فرزندان بکارند . « کُلُّ مَوْلُودٍ یَلِدُ عَلَی الْفَطْرَةِ حَتَّىٰ اُبُوَاهُ یُیهودانه وَ یُنصَرَّانه وَ یُمَجَّسانه » . (مجلسی،

ج ۷۴ ، ۸۹)

پس حفظ فرزندان از خطر انحراف دینی و اخلاقی به عهده پدران و مادران است. گر چه محیط زندگی نیز در انتخاب دین مؤثر است. لذا مراقبت و مواظبت والدین از اهمّ مَهْمَات است، بنابراین داشتن فرزند زیاد، باعث نگرانی است هم از لحاظ تربیت دینی و هم از لحاظ اشتغال، اقتصاد و

آنچه تا کنون مطرح شده، سیاست هایی بود که به نحوی بر تصمیم خانواده در مورد فرزندآوری مؤثر است اکنون فرض کنید که خانواده به این نتیجه رسید که باید فرزندآوری بسیار را به دو فرزند تقلیل دهد، آیا صرف تصمیم در این زمینه کفایت خواهد کرد؟

آمادگی برای فرزند آوری، به طور معمول از سنین ۱۵ سالگی تا ۴۹ سالگی ادامه می یابد، این مدت را سنین باروری می نامند. همچنین زنان در این مدت می توانند با فاصله ۲ سال تا ۳ سال و حتی کمتر از آن، یک فرزند داشته باشند به نحوی که متوسط فرزندانی که یک زن می تواند در این مدت به دنیا آورد، حدود ۱۲ فرزند می باشد. حال تصور کنید که خانواده ای بخواهد امکان داشتن این تعداد را به دو فرزند کاهش دهد، انجام این کار به امکانات و شرایطی نیازمند است که فراهم آوردن آن جزء سیاست های جمعیتی محسوب می شود و تحت عنوان سیاست تنظیم خانواده شناخته می شود.

سیاست تنظیم خانواده به مجموعه تدابیر و برنامه هایی اطلاق می شود که به زن و شوهر این امکان را می دهد تا در مورد تعداد فرزند، فاصله گذاری میان کودکان و زمان بچه دار شدن تصمیم بگیرند. این تدابیر، عمدتاً ارائه خدمات بهداشتی و آموزشی در زمینه بارداری، جلوگیری، زمان مناسب و ... می باشد. خدمات و آموزش های فوق در کشور ما توسط مرکز بهداشت در حال حاضر به صورت رایگان به خانواده ها ارائه می گردد. در هر صورت به طور کلی افزایش بی رویه و سریع جمعیت، بدون برنامه ریزی و پیش بینی، مشکلاتی را در آینده برای جامعه به وجود می آورد که حل آن بسیار مشکل خواهد بود، چنانچه امروز هم در کشور خودمان این معضلات و مشکلات را مشاهده می کنیم.

اما موافقان افزایش جمعیت، این مسأله را قبول ندارند، و می گویند خداوند کره زمین را با امکانات فراوان آفریده و در اختیار بشر قرارداده و خود انسان باید با تلاش و کوشش و مدیریت خود، منابع زیرزمینی را به دست آورده و تمام امکانات مادی را که خداوند در اختیارش قرار داده است را به کار گیرد و معیشت دنیوی خود را تأمین نماید و به آیاتی از قرآن کریم نظیر: « وَ مَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا ». هیچ جنبنده ای نیست جز این که رزق او به عهده خداوند است. « وَ فِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَ مَا تُوَعَدُونَ * فَوَرَبَّ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِثْلَ مَا أَنَّكُمْ تَنْطُقُونَ » و در آسمان است روزی شما و چیزهایی که به شما وعده داده شده است، پس به پروردگار آسمان و زمین، آن حق است مانند همین گفتار و سخنی که بر سر زبانتان دارید. سوره الذاریات (۵۱) آیه ی ۵۱ « وَ كَأَيِّنْ مِنْ دَابَّةٍ لَا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ وَ هُوَ

السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (و چه بسیار جنبندگان وجود دارند که نمی توانند روزی خودشان را بر عهده بگیرند ، خداوند است که آنها را روزی می دهد و اوست تنها که شنوا و داناست). سوره عنکبوت (۲۹)، آیه ی ۶۰

« قُلْ إِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ وَ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يَخْلِفُهُ وَ هُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ » . بگو (ای پیامبر) همانا پروردگار من است که روزی را برای هر یک از بندگانش که بخواهد فراخ و گسترده می کند و برای وی تنگ می گرداند و آنچه را که شما انفاق کرده آید ، او جایگزین و جبران می کند و اوست که بهترین روزی دهندگان است .سوره سبأ (۳۴) آیه ۳۹ « وَ لِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ » (و اختصاص به خدا دارد مشرق و مغرب عالم هستی ، بنابراین شما از هر جهت روی خودتان را متوجه سازید ، آنجا وجه خداست ، همانا خداوند وجودش گسترده و وسیع و دارای علم بسیار است) سوره بقره(۲) آیه ی ۱۱۵ و نظیر این آیات ، فراوان است که همه گویای واسع بودن و رازق بودن خداوند متعال می باشد . وقتی شرق و غرب عالم وجود در تحت سیطره قدرت الهی است و او بهترین روزی دهندگان است و روزی هر جنبنده ای را به عهده گرفته ، پس چرا ما نگران روزی بندگان او هستیم ؟ چرا به رزاقیت او بدگمانیم ؟

اما این مطلب که هر جامعه ای که جمعیت کمتری دارد ، رفاه اجتماعی آن بیشتر است ، مورد پذیرش نیست . بلکه بستگی به مدیریت اقتصادی آن جامعه دارد . در مورد خانواده هم تقریباً همین طور است .

مثلاً کشور عربستان سعودی ، جمعیتی دست بالا قریب به ۳۰ میلیون نفر دارد و کشوری مانند ژاپن جمعیتی بالغ بر ۲۲۰ میلیون نفر دارد ، در حالی که رفاه در ژاپن بیشتر از عربستان است . اقتصاد موفق ژاپن ، قابل مقایسه با کشوری چون عربستان نیست . این کشور عربی با آن درآمد نفتی بالا و جمعیت پایین هنوز عده ای از مردم آن دچار فقرند و به مکه و مدینه که بروید دست فروشانی را کنار خیابان مشاهده می کنید . ولی به کشوری مانند ژاپن سفر کنید با آن جمعیت بالا ، ساخت و سازهای مدرن و چشم نواز در آن را ببینید که یک دهم آن را هم در عربستان پیدا نمی کنید .

مردم ژاپن هم اکثریت ، در یک رفاه قابل قبول خودشان زندگی می کنند با این که جمعیت بالایی دارند . اگر فقر و فقیر هم در آنجا باشد ، درصد پایینی است . در یک خانواده هم می شود تعداد فرزندان زیادی باشد ولی مدیریت صحیح اقتصادی ، به خوبی آن را اداره کند و یک خانواده هم ممکن است با تعداد فرزندان کم در تأمین معاش خانواده دچار مشکل باشد . البته نمی گوئیم لزوماً خانواده پر جمعیت در رفاه است و کم جمعیت در رفاه نیست ، بلکه می گوئیم عکس این مطلب هم کلیت ندارد بلکه بستگی به مدیریت آن خانواده دارد . تدبیر و هدفمندی و مدیریت را مهمتر از کثرت یا قلت جمعیت می دانیم و در مورد جامعه هم عیناً به همین شکل است . و این که عده ای در آفریقا از گرسنگی می میرند و از حداقل امکانات بهداشت و غذا و محرومند ، به مدیریت بد اقتصادی آن کشورها و همچنین چپاول دزدان

سیاستمدار غربی بر می‌گردد که هر کجا منابعی باشد و یا منافعشان اقتضاء کند به آنجا دست اندازی می‌کنند و جنگ و درگیری به راه می‌اندازند و مردم بیچاره آنجا را به خود مشغول کرده و به غارت منابع آنها می‌پردازند. آفریقای بیچاره و مردم زبون آن که این گونه دچار فلاکت اند، نتیجه سیاست های کثیف اروپا و امریکا و همچنین بی کفایتی سیاستمداران و مسئولان آن کشورهاست و نمونه آن را هم در کشورهای نظیر عراق و افغانستان و پاکستان هم مشاهده می‌کنیم.

با این که این کشورها نوعاً جمعیت پایینی هم دارند مانند عراق با آن ظرفیت نفتی بالا، و افغانستان که هر دو کشور روی هم رفته جمعیت شان به صد میلیون هم نمی‌رسد. شما مشاهده می‌کنید کشوری نظیر افغانستان که جمعیت آن به ۳۰ میلیون هم نمی‌رسد دچار مسائل فقر و ناامنی و مانند آن است و کشوری در همسایگی آن یعنی پاکستان با جمعیتی حدود ۱۶۰ میلیون نفر همان مشکلات را دارد. اگر چه به نظر می‌رسد اوضاع اقتصادی این کشور با این که جمعیت آن بالاست، بهتر از افغانستان است. پس این مسأله مربوط به جمعیت کشورها نیست بلکه به مدیریت و سیاست گذاری های آن بر می‌گردد.

اتفاقاً بر عکس کسانی که افزایش جمعیت را موجب کاهش رفاه اجتماعی و اقتصادی می‌دانند، عده ای بر خلاف این اعتقاد دارند. به عنوان نمونه، ابن خلدون متفکر مسلمان، افزایش جمعیت را عامل افزایش توسعه اقتصادی می‌داند و همچنین اظهار می‌دارد که رشد جمعیت سبب به وجود آمدن عمران و آبادانی است. اندیشه تحدید نسل و کسانی که از رشد جمعیت بیمناکند، تنها عامل استهلاک را در نظر دارند و نیروی انسانی که مهمترین عامل تولید، پیشرفت، توسعه و نهفت ها بوده را نادیده می‌گیرند.

انسانی که متولد می‌شود، تنها مصرف کننده نیست، بلکه می‌اندیشد و فعالیت می‌کند و بر این باورند که تحدید نسل به صورت عمومی، زیان های اجتماعی خطرناک و پیامدهای زیان باری به دنبال خواهد داشت و حتی کنترل جمعیت را نقشه ی صهیونیست ها و استعمارگران در کشورهای اسلامی برای تحدید نسل، جمعیت و جلوگیری از بارداری می‌دانند. (فقهی. ۱۳۸۳. ۱۲۱)

در واقع می‌توان گفت به طور کلی مشکل کشورهای در حال توسعه مانند کشور ما، سرعت رشد جمعیت نیست، بلکه کندی رشد اقتصادی است، آنچه مانع به وجود آمدن نظام اقتصادی - اجتماعی و سیاسی مناسب با توسعه می‌گردد.

نکته مهم در تحلیل های اقتصاد جمعیت با رویکرد رشد و توسعه اقتصادی، هدف گذاری های جمعیتی مبتنی بر تعادل و همگنی آن با فرایند توسعه نهادها و ظرفیت های اقتصادی جامعه، در بازه های زمانی میان مدت و بلند مدت است. به عبارت بهتر، مبتنی بر مشی اسلام در تعادل و میانه روی، انتخاب راهبردهای افراطی و تفریطی در خصوص باروری، نه تنها یک تفکر غیر علمی، که یک باور غیر دینی